

جهان‌شهر

یکشنبه ۲۰آبان ۱۴۰۳

شماره ۴۷۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

ایران برای وعده صادق ۳ شگفتانه دارد

شب قشنگ شاهرود



سیدمهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین الملل

آزمایش موشکی شامگاه جمعه (۱۸آبان، ۸ نوامبر) ایران از شاهرود باعث شده بحث‌های فراوانی در خصوص آن شکل بگیرد. تأسیسات نظامی حساس این شهر در روز ۵ آبان در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران مورد حمله قرار گرفت که باعث وارد آمدن آسیب به یک ساختمان در آن شد. پرتاب موشک دوربرد از این پایگاه حاوی این پیام مهم به آمریکا بود که نه تنها توان نظامی و تهاجمی ایران به طور کلی آسیبی ندیده است، بلکه تهران از تأسیساتی که مورد حمله واقع شده‌اند می‌تواند در صورت لزوم برای عملیات‌های آتی خود بهره گیرد.

در این میان موارد مهم دیگری هم وجود دارد. برخی گمانه زنی می‌کنند با توجه به هشدار کمال خرازی، رئیس شورای روابط خارجی در خصوص افزایش برد موشک‌های ایران، تهران در آزمایش شاهرود یک گام به سمت این اقدام برداشته است؛ قدمی که گفته شده در راستای ساخت موشک‌های قاره‌پیماست.

ایران پیش از این با رونمایی از موتورهای سوخت جامد پیشرفته خود مانند سلمان نشان داده بود قادر است موشک‌های بالستیک قاره‌پیمایا را تولید کند. به نظر می‌رسد تهران با استفاده از یک موتور سلمان به برد بیش از ۳ هزار کیلومتر و به‌کارگیری هم‌زمان دو تا سه موتور در یک موشک، می‌تواند

به بردهای فراتر از ۵ هزار کیلومتر دست یابد.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بدون آنکه بتواند از غرب دفاع کند، با ابفای نقشی ویژه در برنامه‌های نظامی و هسته‌ای ایران، خطرات را برای این مجموعه افزایش داده است. اگر نتانیاهو دست به تحریک آمریکا برای خروج از برجام نمی‌زد، ایران درحال غنی‌سازی ۶۰ درصدی نبود و اگر به جنایت‌هایش در غزه ادامه نمی‌داد و تهران را تحریک نمی‌کرد، برد موشک‌های ایران افزایش نمی‌یافت. شاید بتوان به طعنه بزرگ‌ترین ماشین غنی‌سازی ایران را سانترفیوژ «IP-netanya» نامید. تا پیش از آنکه وی برجام را به هم بریزد تهران با نمونه‌های تولید داخل سانترفیوژهای ۱-P و ۲-P غنی‌سازی می‌کرد اما امروزه ماشین‌های پیشرفته‌تر با طراحی داخلی به میدان آمده‌اند.

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی همچنین نقشی بزرگ در برنامه موشکی ایران ایفا کرده و علاوه بر سوق دادن تهران به سمت ایجاد انبار موشکی و توسعه جدی نمونه‌های جدید، حالا به عامل افزایش برد موشک‌های ایران بدل شده است.

نکات

در خصوص مسائل تسلیحاتی محور مقاومت و ایران با توجه به تحولات اخیر نکاتی وجود دارد که در ادامه آمده‌اند.

ایران می‌توانست سلاح‌های خود مانند راکت‌ها، موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروز و پهپادها را در فرایندهای صنعتی تولید کند اما این کاربرایش محدودیت‌هایی ایجاد می‌کرد. تولید صنعتی این تسلیحات نیازمند ایجاد خط تولید پیشرفته به وسیله تجهیزات خاص وارداتی بود که توسط تعداد کمی از کشورها تولید می‌شوند و ضمن قیمت بسیار بالا، امکان نظارت بر فروش و سرویس دهی این تجهیزات را در اختیار کشورهای سازنده قرار می‌دهد.

اگر ایران به سمت صنعتی‌سازی کامل صنعت موشکی و تسلیحاتی می‌رفت، هزینه بالایی برای خرید این دستگاه‌ها پرداخت می‌کرد اما کشورهای مبدأ با شناسایی استفاده کننده، تحریم‌های خود را اعمال می‌کردند. در این صورت ظرفیت تولیدی ایران قفل شده و سپس به سمت کاهش می‌رفت. هم‌زمان شرکت‌های جهانی نیز از ارائه سرویس نگهداری و ارتقای دستگاه‌هایشان خودداری می‌کردند. یک عیب دیگر، تجمع مراکز تولید سلاح ایران در نواحی محدودی بود، به گونه‌ای که در این صورت زنجیره مراکز تولید موشک ایران در کمتر از ده نقطه اصلی متمرکز می‌شد. تهران اما به جای سیستم تسلیحاتی صنعتی، به سمت سیستم کارگاهی

یا شبه صنعتی رفت. این اقدام مزایای فراوانی داشت. نخست آنکه هزینه اولیه برای ایجاد مراکز تولید به شدت کاهش می‌یافت، سوم آنکه صنعت تسلیحاتی به دستگاه‌های به شدت پیشرفته مبتناژ که عمدتاً غربی‌اند و امکان تحریم آن‌ها وجود داشت، وابسته نمی‌شد. استفاده از دستگاه‌های ساده‌تر در خط تولید که وفور بیشتری در بازارها داشتند، امکان نظارت مؤثر را از دشمن سلب کرد. باید توجه داشت به دلیل وجود دستگاه‌های ساده‌تر در خطوط تولید کارگاهی، ایران می‌توانست از دستگاه‌های داخلی نیز در خطوط خود بهره‌بربرد درحالی‌که در تولید صنعتی بسیار پیشرفته، دستگاه‌های تولیدی داخلی به اندازه کافی وجود نداشتند.

سومین مزیت این روش، امکان پراکنده کردن کارگاه‌ها در سراسر کشور است؛ زیرا برخلاف مراکز صنعتی می‌توان تعداد بیشتری کارگاه ایجاد کرد.

چهارمین مورد به قابلیت پنهان‌سازی کارگاه‌ها از رصد اطلاعاتی مربوط است، درحالی‌که تعداد معدودی از مراکز صنعتی، به هیچ‌عنوان چنین امکانی را ایجاد نمی‌کنند؛ چه اینکه تکسینس‌ها و کارشناسان خارجی نیز برای نگهداری و تعمیر این دستگاه‌ها به این مراکز رفت و آمد پیدا می‌کنند. پنجمین مورد، هزینه اندک بازسازی این کارگاه‌هاست؛ اگر دشمن به وسیله خرابکاری یا تهاجم به چنین مراکزی آسیب زد، بازسازی و یا ساخت مجدد آن‌ها چندان طول نمی‌کشد. ششمین مزیت، قابلیت انتقال سریع آن‌هاست. باید توجه داشت این‌حرامی محور مقاومت است و باید از آن‌ها پشتیبانی کند. اگر ایران صرفاً بر تولید صنعتی موشک‌ها متمرکز بود، در صورت نیاز باید محصول تولیدی را به دست محور مقاومت در لبنان یا یمن می‌رساند که کاری سخت و در بسیاری از مواقع نشدنی بود. در تولید کارگاهی اما می‌توان کارگاه‌های ساده را در مقاصد مورد نظر برای تولید سلاح ایجاد و مستقر کرد.

کشورهای مقصد نیز هرچند فاقد ظرفیت‌های لازم صنعتی به لحاظ زیرساخت و تکسینس هستند اما با تولید کارگاهی آشنایی دارند. بر همین اساس به جای فرآوری چندساله یک فرآیند صنعتی پیچیده و گرانقیمت، آن‌ها به سرعت فرایندهای کارگاهی را در مدت کوتاهی فرامی‌گیرند.

با این وجود، تولید و توسعه کارگاهی، معایبی نیز دارد. تسلیحات کارگاهی در رده‌های مشابه خود، در لبه فناوری قرار ندارند. به طور مثال موشک بالستیک در تولید شبه‌صنعتی، نسبت به موشک‌های تولیدی در فرآیند صنعتی در لبه فناوری قرار ندارد و از سوی دیگر نرخ از دست رفتن یا انحراف از مسیر نیز در آن‌ها بالاتر است. موشک‌های بالستیک تولیدشده در مراکز صنعتی پیشرفته، می‌توانند برای مدت طولانی در کشیک نظامی برای شلیک سریع قرار بگیرند بدون آنکه آسیب ببینند، اما استقرار بلندمدت



موشک‌های بالستیک در فرایند شبه‌صنعتی در کشیک نظامی، مشکلاتی دارد. این موشک‌ها برای طولانی مدت نمی‌توانند در کشیک نظامی و درحالت آماده برای استفاده سریع قرار بگیرند و از سوی دیگر نرخ تخریب بالایی دارند؛ هرچند قیمت اندک آن‌ها پوشش دهنده این مشکلات است.

حملات محور مقاومت به مواضع رژیم صهیونیستی که به صورت آزاره دور و به وسیله پهپاد‌های انتحاری، موشک‌های بالستیک و کروز صورت گرفته، درس‌های فراوانی برای مقاومت داشته است. به ترتیب از زمان ورود به درگیری‌ها با صهیونیست‌ها تاکنون یمن، عراق و ایران از هرسه این سلاح‌ها برای هدف قرار دادن سرزمین‌های اشغالی بهره گرفته‌اند. این استفاده‌ها به ایجاد روش‌های مختلفی برای حمله انجامیده است. نخستین درس برای اصلاع محور مقاومت، طراحی حملات هم‌زمان ترکیبی بود. این‌نوع حمله را ابتداء یمنی‌ها امتحان کردند

و سپس تا حدودی در عراق اجرایی شد. در حملات ترکیبی تعداد زیادی پهپاد انتحاری به همراه موشک کروز پرتاب می‌شود تا با مشغول شدن پدافند هوایی دشمن، موشک‌های بالستیک به هدف برخورد کنند. در ابتدای درگیری‌ها، این روش یمنی‌ها علی‌رغم بی‌عیب بودن در طراحی، به دلایل فنی به موفقیت کامل دست نیافت. یمنی‌ها در تعداد بالا دست به پرتاب پهپاد و موشک‌های کروز می‌زدند؛ اما تعداد کم موشک‌های بالستیک پرتابی و وجود سامانه تخصصی برای رهگیری بالستیک‌ها در طول مسیر باعث می‌شد این موشک‌ها در آسمان منهدم شوند. با این وجود یمنی‌ها دریافتند پرتاب همزمان پهپادها که مدت زیادی در آسمان برای رسیدن به هدف پرواز می‌کنند باعث می‌شود دشمن تعداد زیادی از جنگنده‌های خود را برای رهگیری این سلاح‌ها بسپنج کند و درنتیجه قادر به حمله مؤثر علیه مناطقی که سلاح‌ها از آن پرتاب می‌شوند، نیست.

ایران با این تجارب بود که عملیات وعده صادق ۱- را به انجام رساند. در این عملیات دستکم ۳۰۰ پهپاد و ۳۰ موشک کروز برای مشغول‌سازی پدافند هوایی دشمن پرتاب شدند. مشغول شدن تعداد زیادی از جنگنده‌های دشمن در فضای عراق، سوریه، اردن و سرزمین‌های اشغالی برای رهگیری پهپادها که دستکم ۸ ساعت در آسمان منطقه درحال پرواز بودند، باعث شد آن‌ها نتوانند دست به شناسایی مراکز پرتاب و اقدام علیه آن‌ها بزنند. در سوی دیگر نیز بر اساس نقل‌های مختلف بین ۲۰ تا ۱۲۰ موشک بالستیک از انواع قدیمی پرتاب شد تا تعداد مناسبی از آن‌ها به اهداف اصابت کنند. محور مقاومت ضمن طراحی شیوه‌های حمله، تغییراتی نیز در سلاح‌ها انجام داد است. همین تغییرات بود که باعث شده در ماه‌های اخیر، حتی

تک موشک‌های بالستیک پرتاب شده از سمت یمن، به راحتی بتوانند به اهدافی در سرزمین‌های اشغالی اصابت کنند. بخشی از این موفقیت مرون به کارگیری سلاح‌های جدیدتر و قدرتمندتر است اما قسمتی دیگر از آن مربوط به اصلاحات سریع بر روی آن‌هاست. گزارش شده ایران تا پیش از عملیات وعده صادق-۲، بین ۱۳ تا ۱۷ آزمایش موشکی انجام داده تا بتواند اصلاحاتی برروی آن‌ها انجام دهد. درنتیجه با به‌کارگیری موشک‌های جدیدتر، بیش از ۹۰ درصد موشک‌های پرتابی موفق شدند به اهداف اصابت کنند. تنها در پایگاه نواتیم بین ۳۲ تا ۴۰ اصابت گزارش شد.

مقاومت علاوه بر طراحی شیوه‌های جدید، سلاح‌های خود را نیز اصلاح کرده است. همین مسئله باعث شده تا پهپاد‌های جدید مقاومت امان صهیونیست‌ها را بیزند؛ در حالی‌که پیش از این عمده پهپاد‌های پرتابی توسط گنبد آهنین و یا جنگنده‌ها شکار می‌شدند. حمله پهپادی یمن به تل‌آویو، حملات مقاومت عراق به جولان، حمله مقاومت لبنان به مقر آموزشی تیپ گولانی در بنیامینا حیفا و حمله این گروه به منزل نتانیاهو بر روی قیصریه به نشان داد پهپاد‌هایی که جدیداً به طور گسترده استفاده می‌شوند، تفاوت‌های زیادی با نمونه‌های قبلی دارند. این تفاوت در غیرقابل رهگیری بودن و مواد منفجره قابل توجه است.

فیلم منتشر شده از پهپاد یمنی که تل‌آویورا در شبانگاه ۲۹ تیر (۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴) مورد هدف قرار داد، نشان می‌اد پهپاد مزبور به لحاظ اندازه، ابعاد و طراحی از نمونه‌هایی است که پیش از این نیز مورد استفاده قرار گرفته بود. این پهپاد دارای ابعاد بزرگی بود که نشان می‌داد کوچک‌اش باعث عبورش از لایه پدافندی دشمن نشده است. از سوی دیگر بدنه و مواد به کاررفته در آن نیز عادی بود تا بتوان گفت تلاش شده از سطح مقطع راداری آن کاسته شود. به نظر می‌رسد این پهپادها از نظر ارتفاع پروازی مورد اصلاح قرار گرفته‌اند تا در ارتفاع پایین‌تری نسبت به گذشته پرواز کنند. برای فهم بهتر می‌توان فیلم منتشرشده از پهپاد یمن با نام یافا که تل‌آویو را مورد هدف قرار داد یا فیلم‌های پهپاد‌های استفاده شده علیه عربستان سعودی و اوکراین، مقایسه کرد. فیلم‌های پرواز پهپاد‌های مشابه‌شاهد-۱۳۶ که توسط روسیه در اوکراین استفاده می‌شوند و یا فیلم‌های موجود درباره حرکت پهپاد‌های یمنی به سمت تأسیسات عربستان سعودی، نشان می‌دهند این پهپاد‌ها هرچند ارتفاع به نسبت پایین‌تری دارند اما پهپادی که یمنی‌ها در ۲۹ تیر ماه علیه تل‌آویو به کار گرفتند ارتفاع پروازی به مراتب کمتری داشت.

پرواز در نزدیکی زمین مشکلاتی دارد ازجمله نیازمند اصلاح مداوم مسیر برای جلوگیری از برخورد با سطح زمین است، درحالی‌که در ارتفاع بالا نوسان‌های بالادر حد ۱۰۰ متر نیز مشکل‌زا نیستند. پهپادی که به تل‌آویو برخورد کرد؛ اما اندکی بالاتر از آپارتمان‌ها پرواز می‌کرد. بررسی فیلم این حمله نشان می‌دهد پهپاد یافا حدود ۲۰ متر بالاتر از یک آپارتمان ۱۵ طبقه پرواز می‌کند؛ ساختمان‌های که نباید ارتفاعش بیش از ۵۰ متر باشد. به عبارتی دیگر این پهپاد در ارتفاع زیر ۱۰۰ م اندکی دقیق‌تر، ۷۰ متری پرواز می‌کرد و به راحتی قابل مشاهده بود. این درحالی است که پهپاد‌های کنونی روسیه در اوکراین در ارتفاع بالا پرواز می‌کنند و با اندکی کاهش ارتفاع، تنها در زمان شیرجه به سرعت ارتفاع از دست می‌دهند.

زد و خورد‌های سنگین نظامی باعث ایجاد فشار برای توسعه تسلیحات می‌شوند. این قضیه در سمت رژیم صهیونیستی طی جنگ اخیر کمتر بوده و آن‌ها زمان و فرصتی برای اصلاح سلاح‌های خود نداشته‌اند. به جای توسعه، صهیونیست‌ها تنها به خرید سلاح روی آورده‌اند به گونه‌ای که ادعا می‌شود انبار‌های رژیم در طول جنگ ۷ بار خالی و توسط آمریکا پر شده است. کمبود سلاح و مهمات به حدی است که صهیونیست‌ها از صربستان نیز به صورت فوری و با هوایمیا واردات نظامی دارند. درمقابل محور مقاومت ضمن اصلاح سلاح‌های خود، به سمت توسعه فناوری حرکت کرده است. این حرکت تا حد زیادی طبیعی است زیرا محور مقاومت در طی جنگ برخی فناوری‌های استفاده نشده خود را رو کرده که باعث شده دشمن ضمن آسیب دیدن، با این سلاح‌ها آشنا شود. درنتیجه مقاومت باید با توسعه تسلیحات جدید، فاصله خود را مجدداً به زمان قبل بازگرداند.

تجویزهای مشاور امنیت ملی اسبق ایالات متحده برای ضربه زدن به همکاری کشورهای غیرلیبرال

آمریکا در سودای انفکاک ایران، چین و روسیه

سجاد عطازاده
<i>منترجم</i>
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div>
<p>استفان هادلی، مشاور سابق امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست جمهوری بوش پسر، در مقاله‌ای با عنوان «محور بازندگان شی جین پینگ، راه درست برای خنثی کردن همگرایی اقتدارگرایانه جدید» که در وب‌سایت فارن آفرز منتشر شده است، به بررسی محور ادعایی متشکل از چین، روسیه، کره شمالی و جمهوری اسلامی ایران پرداخته و این ادعا را مطرح کرده که برای ایجاد انفکاک در این محور باید روسیه (در اوکراین)، کره شمالی (در شبه جزیره کره) و جمهوری اسلامی ایران (در فلسطین و لبنان) مورد ضربه قرار بگیرند تا چین، به‌عنوان قدرتمندترین عضو محور، از آن جدا شود. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره نشان داده که ضمن پایبندی کامل به داشتن روابط حسنه با کشورهای مختلف، منافع راهبردی خود را در اولویت قرار داده و ذیل یا کنار محورهای غیرواقعی از این دست قرار نگرفته است. نکته بسیار مهم دیگر در این مقاله آن است که موفقیت محور مقاومت در نبرد با رژیم غاصب و موقت صهیونیستی ضمن ممانعت از جامعه عمل پوشاندن به اهداف آمریکا، سبب تحکیم روابط کشورهای مستقل و غیر لیبرال نیز خواهد شد. روشن است که محتوا و ادبیات این مقاله به طور کلی مورد تأیید روزنامه «فرهیختگان» نیست و انتشار بی‌کم و کاست آن در یک روزنامه دانشگاهی صرفاً برای اطلاع از مواضع و افکار کارشناسان مختلف انجام می‌گیرد.</p>
<div>» » »</div>

آمریکابرای جداسازی ایالات متحده اکنون با چالش برانگیزترین محیط بین‌المللی که حداقل از زمان جنگ سرد و شاید پس از جنگ جهانی دوم

با آن روبرو بوده است، دست‌وپنجه نرم می‌کند. یکی از نگران‌کننده‌ترین ویژگی‌های این محیط، همکاری رو به رشد بین چین، ایران، کره‌شمالی و روسیه است. برخی از سیاست‌گذاران و مفسران این همکاری را سرآغاز یک «محور» قرن بیست و یکمی می‌بینند؛ محوری که مانند محور آلمان–ایتالیا–ژاپن در قرن بیستم؛ جهان را وارد یک جنگ جهانی خواهد کرد. برخی دیگر نیز نه جنگ جهانی سوم، بلکه وقوع تعداد زیادی از درگیری‌های جداگانه را در سراسر جهان پیش‌بینی می‌کنند. درهرصورت، نتیجه حاصله این است که جهان در حال جنگ بوده و وضعیت حاکم بسیار جدی است. این‌که در مورد این‌همکاری چه باید کرد بحث دیگری است. برخی از استراتژیست‌ها طرفدار اولویت‌بندی بی‌رحمانه و تمرکز بر عضوی از محور که بیشترین تهدیدها را به همراه دارد [چین] هستند. برخی دیگر نیز بر این باورند که تنها یک تلاش همه‌جانبه‌اعلیه همه اعضا خواهد بود؛ اما بهترین استراتژی می‌تواند عناصر هر دو رویکرد را به عاریت بگیرد و ضمن اذعان به اینکه چین نگرانی بلندمدت اصلی برای راهبرد امنیت ملی ایالات متحده است–که در بیان وزارت دفاع آمریکا در قالب «تهدید پیش‌رونده» قاب‌بندی شده است–بر این نکته هم تأکید دارند که پکن یک کشور متفاوت از سایر دولت‌های سرکشش عضواین محورا است؛ بنابراین تلاش واشنگتن باید در راستای روشن کردن این نکته برای شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین باشد که این روابط جدید جقدر بی‌ار منفاع پکن معکوس و پرهزینه خواهد بود. این امر مستلزم مقابله مؤثر با ایران، کره‌شمالی و روسیه در مناطق خود است تا از این طریق برای پکن روشن شود که گره زدن خود به «مشتی بازنده» سبب کسب نفوذ جهانی برای این کشور نخواهد شد.

همکاری میان اعضای این محور قرن بیست و یکم به‌شدت بر حمایت نظامی، صنعتی و اقتصادی از روسیه در جنگ با اوکراین متمرکز شده است؛

حمایتی که بدون آن روسیه نمی‌توانست به تهاجم خود ادامه دهد. همکاری صنعتی دفاعی حاصله و همگرایی اولیه اعضای این محور جدید احتمالاً فراتر از آن چیزی است که در میان شرکای محور قرن بیستم وجود داشت. کره‌شمالی گلرله‌های توپ، سایر مهمات، پرسنل نظامی و کارگران صنعتی را در اختیار روسیه قرار داده و در ازای آن، نفت و فناوری‌های موشکی و فضایی را از مسکو دریافت می‌کند. ایران نیز موشک‌ها و پهپاد‌های تولید شده در کارخانه‌های دفاعی خود را در اختیار مسکو می‌گذارد و به علاوه به ساخت چنین کارخانه‌هایی در خود روسیه نیز کمک کرده و در مقابل در زمینه‌های موشکی، پهپادی و فضایی و احتمالاً انرژی هسته‌ای غیرنظامی از مسکو کمک دریافت می‌کند. چین نیز تاکنون هر چیزی به‌جز اسلحه را برای مسکو فراهم کرده است؛ خرید نفت، گاز و سایر منابع طبیعی به‌طور گسترگجری افزایش یافته است، فناوری‌های دومنظوره که در سامانه‌های دفاع هوایی، جنگ الکترونیک، هواپیماهای بدون سرنشین و دیگر سلاح‌ها و سامانه‌های ارتباطی روسیه مورد استفاده قرار می‌گیرد و به تاوگی قطعات مورد نیاز برای تسلیحات روسی. حتی صحبت‌هایی از تولید پهپاد و سامانه‌های تسلیحاتی برای روسیه در کارخانه‌های چینی نیز وجود دارد. آنچه چین در ازای آن دریافت می‌کند، در حال حاضر به‌طور کامل مشخص نیست؛ البته به‌جز خرید تخفیف‌دار انرژی و احتمالاً نفوذ بی‌رقیب بر روسیه. فراتر از جنگ در اوکراین، چین و روسیه و شرکای محوری آن‌ها آموزش و عملیات‌های مشترک را با استفاده از بمب افکن، کشتی و حتی نیروهای زمینی افزایش داده‌اند.

شرکای محور همچنین هماهنگی دیپلماتیک خود را تسریع کرده‌اند و پکن و مسکو از حق وتو خود در شورای امنیت سازمان ملل برای محافظت از یکدیگر و تهران و پیونگ‌یانگ در برابر قطعنامه‌های نامطلوب استفاده